مقدم است ولفظ مروی در هردو این است مَنْ قَالَهَا غَفَرَ اللّٰهُ لَهُ مَا أَصَابَ
فِي يَوْمِهِ وَلَيْلَتِهِ یعنی بارخدایا بتحقیق من داخل شده ام در صباح در حالی که گواه
میکردانم ترا و گواه میکردانم بردارندگان عرش ترا که مقرب اند و آن هشت فرشته
که میان گوش و دوش هر یک ده هزار ساله راه است و در روایتی هفت
هزار ساله راه و تمامه فرشتگان ترا این عطف ملائکه بر حمله عطف عام است
بر خاص و همه مخلوقات ترا و عطف جمیع خلقک از قبیل تعمیم است بعد از تخصیص
برای تکمیل و تتمیم یا از قبیل اجمال است بعد از تفصیل بر این که توی خدا این حرف
یا بمعنی کلمه علی است که صله اشهد است یعنی بر اقرار و اعتراف خود که بوحدانیت
تو در الوهیت و ربوبیت و بعبودیت و رسالت حضرت که محمد عبدک و رسولک
دارم و تجدید اعتراف این شهادت در هر صباح و ما عرض میکنیم که از
غافلان این شهادت نیستیم قوله اللهم انی اصبحت اشهدک الی انک یعنی بهمزه
است بحذف جار و در نسخه انیست بانک و در بعض نسخ رمز ترمذی بالای وحدک
است و رمز نسائی بالای لاشریک لک و ترجمه این متصل گذشته است یعنی در
سنن ابوداود و ترمذی و نسائی مرویست نیز از انس رضی الله عنه ولفظ حدیث
اینست مَنْ قَالَهَا مَرَّةً أَعْتَقَ اللّٰهُ رُبُعَهُ مِنَ النَّارِ وَمَنْ قَالَهَا مَرَّتَيْنِ
أَعْتَقَ اللّٰهُ نِصْفَهُ مِنَ النَّارِ وَمَنْ قَالَهَا ثَلَاثًا أَعْتَقَ اللّٰهُ ثُلُثَيْهِ أَرْبَعَةً
مِنَ النَّارِ وَمَنْ قَالَهَا أَرْبَعًا أَعْتَقَهُ اللّٰهُ مِنَ النَّارِ ‌ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ
فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَأَهْلِي وَمَالِي اللّٰهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَاتِي وَ
آمِنْ رَوْعَاتِي اللّٰهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَ

عن یمینی

عَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي وَمِنْ فَوْقِي وَأَعُوذُ بِعَظَمَتِكَ أَنْ
أُغْتَالَ مِنْ تَحْتِي ‌ عافیت سالم بودن از بیماریها و بلاهای
دینی و دنیوی که شاغل از احوال اخروی است و اگر نه اشد البلاء علی الانبیاء است
عفو درگذاشتن جرم از کسی عورت اندام شرم مردم و هرچه از دیدن و نمودن
آن شرم می آید عورات بسکون واو جمع است و فتح واو در عورات از لحن عامه است
ایمان ایمن گردانیدن روع ترسیدن و ترسانیدن لازم و متعدی است و در نسخه
مصححه است عوراتی در دعائی بصیغه جمع و مؤلف رحمه الله در شرح مصابیح اصل
روایت صیغه جمع گردانیده گفته است و در روایة بالافراد فیهما غول بفتح و سکون
ناگاه اغتیال ناگاه گرفتن اصلش اغتوال است ‌ یعنی در سنن ابوداود
و ابن ماجه و نسائی و صحیح ابن حبان و مستدرک حاکم و مصنف ابن ابی شیبه
مرویست از ابن عمر رضی الله عنه ولفظ ابن عمر این است که رسول خدا
لَمْ يَكُنْ يَدَعُ هٰؤُلَاءِ ترک نکردی این دعا را در هر صبح و شامی بارخدایا سوال میکنم
از تو مبتلا نا شدن و سلامت از آفات در دنیا ای قبل الموت و در آخرت
ای بعد الموت و سوال میکنم از تو عفو و محو هر ذنبی از ذنوب و عافیت و
خلاص خود از هر مکروهی و بلا از هر عیبی از عیوب در دین من ای للّٰه نزع فلو نما
بعد از هدیتنا و در دنیای من ای سالم دار از امراض که طبع عوام از آن
متنفر است مانند برص و جنون و جذام و البهذا وارد است تعوذ از شی اسقام
و در اهل من ای قریبان و تابعان من و در مال من از نقد و جنس و در دست
گر کلمه ما در مالی موصوفه باشد ای هر چیزی که مرا است مخصص است بمن از مال
و علم و جاه و سایر اسباب کمال پس قوله مالی تعمیم است بعد از تخصیص چنانکه

٨٥

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)